

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ | سوره حشر، آیه ۴

علت مخالفت کفار با اسلام

کسانی در مقابل جریان الهی حاضر نیستند تسلیم بشوند. حالا چرا حاضر نیستند؟ غالباً به خاطر اینکه منافعشان به خطر می افتد. آمریکا چرا حاضر نیست انقلاب اسلامی را بپذیرد؟ برای خاطر اینکه منافعش به خطر می افتد. الان هم دارند میگویند؛ صریح و بی رودربایستی میگویند انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی منافع ما را در منطقه به خطر انداخته؛ هر کار دارند میکنند... برای خاطر اینکه اسلام با منافع اینها، با پول توی جیبشان، با عتاشی شان معارضه میکند. ●

۱۳۶۱/۵/۱ | بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در جلسه تفسیر سوره حشر

خطبه های انقلاب

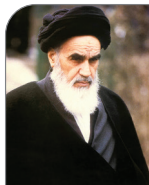
ملت ما قدر گوهر را دانسته، لذا ایستاده است

به دیکتاتورهای دنیا و کودتا‌های نظامی نگاه کنید! همه اینها رفیقهای نزدیک همین دموکراتهای دنیا و طرفداران دموکراسی و مردم سالاری اند. وقتی دموکراسی با معنویت و حقیقت و دین همراه نباشد، این طوری میشود. ما تجربه نویی را آوردیم؛ ما دموکراسی را از دین گرفتیم... دشمن در تبلیغات خود مرتب سعی میکند این دستاورد را کو چک کند... امام صادق علیه ﷺ به شاگرد خود فرمود: چنانچه تو گوهر گرانبهایی در دست داشته باشی، همه دنیا اگر بگویند این سنگ است و تو بدانی که این گوهرِ گرانبهاست، حرف همه دنیا را باور نمیکنی... ملت ما دانسته است و فهمیده است؛ لذا ایستاده است.

● ۱۳۸۲/۱۱/۲۴ | بیانات در خطبه های نماز جمعه

جدول کلمات متقاطع «نشانی»-۵

همه باید با عملتان نزد خداوند بروید



حضرت صادق ﷺ از قراری که نقل شده است، آن آخری که در معرض موتشان بوده است، جمع کردند عده ای را دور خودشان از عشیره خودشان گفتند که شما فردای قیامت نیاید بگویید که من مثلاً پسر حضرت صادق بودم، من برادر او بودم، من زن او بودم. نخیر، اینها نیست در کار، عمل در کار است. باید همه با عملتان پیش خدا بروید.

● ۱۳۵۸/۰۶/۱۴ | امام خمینی ﷺ

حدیث زندگی

احیای امر اهل بیت ﷺ در زمان آن بزرگواران بزرگترین مبارزه بود

امروز برای شما که در محیط شیعی، در محیط جمهوری اسلامی، در کشور مسلمان و شیعه نشسته اید، شاید اصلاً خیلی مفهوم نیست آن وقتی که امام صادق میگویند «آحیوا آمرتنا»^(۱)، یعنی چه. در آن دوره ای که امام صادق فرمودند: آحیوا آمرتنا، احیای امر اهل بیت جزو سخت ترین و خطرناک ترین کارها بود؛ یک جهاد عظیم بود... زندگی مبارزاتی ائمه و مبارزه ی اصحاب ائمه جزو خطرناک ترین ها بود؛ چطور است که همه ی ائمه به شهادت میرسند؟ زندگی، زندگی مبارزه بود. در یک چنین شرایطی امام میفرماید: آحیوا آمرتنا؛ شما که می نشینید در آن جلسات هیئت، احیای امر ما را بکنید؛ یعنی امام بزرگ ترین مبارزات را، خطرناک ترین مبارزات را، از اینها مطالبه میکند. ● ۱۴۰۰/۱۱/۰۳ | ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰

«نهج البلاغه»

ونسبت آن بازمانده ما

سرمقاله | ۲



آخرین خبر

تجلیل رهبر معظم انقلاب

از برنامه های قرآنی ماه مبارک رمضان

هفته نامه ی خط حزب الله در بخش جدید خود، جدول کلمات متقاطع «نشانی» را با محوریت بیانات رهبر معظم انقلاب طراحی و منتشر میکند. مخاطبان برای پاسخ به اغلب سوالات این شماره از جدول «نشانی» می بایست مجموعه ی بیانات حضرت آیت الله خامنه ای درباره نبرد طوفان الأقصى را از ۱۸ مهرماه ۱۴۰۲ تا دیدارهای اخیر (QRcode روبرو) پیگیری و مطالعه کرده باشند. بدیهی است در این جدول سوالاتی در زمینه مسائل عمومی نیز طرح شده است.

افقی	از بالا به پایین
۱- درس قرآن به ماسلمانان و به همه مردم جهان	۱- امروز مسئله فلسطین مسئله ای عمومی است که از داخل
۲- از شهرهای امریکا که در اعتراض به جنایات رژیم خبیث صهیونیستی عصیانیتشان را نشان دادند- اراده - فرود و سقوط	۲- تصدیق انگلیسی - دادگاهی که رژیم صهیونیستی در آن محکوم شد- لقب ملعون حاکم در سرزمین های اشغالی
۳- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد- دانه خوشبو- بدی- ساعت بی سروه	۳- سازمان آزادیبخش فلسطین - حرف صریح- زل وارونه - خط کش مهندسی
۴- فنی در کشتی- رأس- نیستی- مؤسس حوزه علمیه قم	۴- با هم نسبت داشتن - بدبوی پرخاصیت - از اجداد پیامبر اسلام
۵- خدایا- اسوه - راه غذا	۵- مزدور- طرح و نقشه- کس و ذات
۶- شهری در استان قم- محافظ چشم- آدم خشک و سختگیر- دخان	۶- سطل - شهری در فلسطین - آوای رزمی کار
۷- پله تو خالی - شهری در استان سمنان- ستاره دنباله دار- جفت ماده	۷- مرز دهان جمع کن- میدان- ترک استخوان - از القاب امام حسین
۸- پایتخت کره جنوبی- کبوتر صحرایی	۸- واحدی نظامی - میوه ترش و شیرین
۹- بزدان - لقبی برای باند تبهکار صهیونیستی - هنوز انگلیسی	۹- روستای محل شهادت شهید چمران- سمت راست
۱۰- سال آذری - از میوه ها- ضمیر اشاره- قطع سینمایی	۱۰- فرار حیوان - دریاچه آب شیرین روسیه - ماه سرد
۱۱- در سفره هفت سین بجویید- از هر دو سواز سوره های قرآن است- آسیب فلک زده	۱۱- خسیس- از صحابی پیامبر - حشره خونخوار
۱۲- غذای نذری- کاهگل - قیماق	۱۲- جاذبه سیاحتی کشور مصر- اسب جایار - نفت دریای شمال
۱۳- از وظایف مسلمانان در قبال فلسطینیان- نمادلاغری	۱۳- کوزه بزرگ- پدر ادريس نبي - مذهب
۱۴- وعده دوم خداوند درباره مردم فلسطین محو آن است	۱۴- باران حضرت عیسی - از رهبران شهید حماس
	۱۵- کمک به دشمن صهیونی حرام... و جنایت واقعی است - پیام رهبر معظم انقلاب به جوانان عزیز دانشجو در ایالات متحده آمریکا! شما اکنون در طرف ... که در حال ورق خوردن است، ایستاده اید

سرمقاله

«نهج البلاغه» و نسبت آن با زمانهٔ ما



سرمقاله



وقتی از «نهج البلاغه» سخن می‌گوییم، منظور یک کتاب روایی صرف نیست. کتاب روایی کتابی تخصصی است برای محدّثان و فقها که سلسله‌ی سند دارد یا

محدود به یک یا دو موضوع خاص است، مثل «کافی» و «بحار» که عموم مردم هم معمولاً با آن‌ها سروکار زیادی ندارند؛ اقا «نهج البلاغه» برای عموم نوشته شده، نه برای یک گروه خاص. در کتاب «مروج‌الذهب» مسعودی ـ ـ که از متقّدمان است و گویا سال ۳۴۵ هجری و ۱۴ سال قبل از تولّد سید رضی وفات کرده ـ ـ آمده که مردم زمانِ او بیش از چهارصد خطبه از امیرالمؤمنین را حفظ بودند و این سخنان، هم به لحاظ گفتاری و هم رفتاری، بین مردم رایج بوده. پس در ابتدا باید دقّت کرد که سید رضی، گردآورنده‌ی «نهج البلاغه»، به عنوان یک ادیب برجسته سخنان امیرالمؤمنین را از حیث هنری و بلاغت که در اوج بوده گلچین کرده است و حتّیّ تقسیم‌بندی «خطبه» و «نامه» و «کلمات قصار» هم حاصل تدبیر خود سید رضی است. لذا ملاک برای او بلاغت بوده؛ حال چون این سخنان منسوب به امیرالمؤمنین است، طبیعی است که در اوج معارف و استواری کلام قرار دارد.

کتاب‌های قدیم را با تعداد نسخه‌های خطّی‌شان می‌سنجیدند؛ «نهج البلاغه» از این لحاظ استثنا است و تعداد نسخه‌های خطّی

کتاب جایگاه جهانی دارد. بنابراین، این جایگاه اقتضا می‌کند که «نهج البلاغه» به عنوان یک کتاب هنرمندانه و بلیغ، در کانون توجّه باشد. برای فهم بهتر موضوع، فرض کنید یک تابلوی نقّاشی از استاد فرشچیان بر دیوار آویخته باشد؛ هر بیننده‌ای، با هر مَلّیت و زبانی، زیبایی و ارزش این اثر را درک می‌کند. «نهج البلاغه» هم چنین وضعیتی دارد؛ کتابی است که شاید بتوان گفت نمونه‌ی مشابهی از آن وجود ندارد و کتابی است که می‌تواند محور گفت‌وگوی انسانی قرار بگیرد. بسیاری از مسیحیان عرب‌زبان که با شخصیت امیرالمؤمنین آشنا شده‌اند، از طریق «نهج البلاغه» با حضرت ارتباط گرفته‌اند، درباره‌اش شعر گفته‌اند و کتاب نوشته‌اند. اگر کسی آثار مسیحیان عرب‌زبان را در مدح امیرالمؤمنین یا در تحلیل سیره‌ی او بررسی کند، به‌وضوح می‌بیند که از «نهج البلاغه» تأثیر گرفته‌اند. مثل این است که یک فرد ادیب که سعدی و حافظ می‌خواند، وقتی با متونی از دیگران مواجه می‌شود، فرقی را فوراً درک می‌کند؛ عرب‌زبان‌ها هم اگر با زبان فصیح آشنا باشند، متوجّه این تفاوت می‌شوند. کتاب‌های روایی‌ما معمولاً این‌گونه نیستند، بلکه محتوامحورند؛ اقا «نهج البلاغه» صرفاً از جهت محتوا انتخاب نشده، بلکه به خاطر قوّت وجودی و بلاغت کلامی‌اش گردآوری شده است.

این نکته هم قابل توجّه است که سید رضی تا جایی که می‌توانسته تلاش کرده وارد بخش‌های حشاس نشود. او تقریباً هیچ روایت فقهی‌ای از امیرالمؤمنین نیاورده است و هر جا هم که موضوع حشاس بوده، از آن گذشته است؛ چون می‌خواسته بگوید علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام را فقط یک خلیفه در کنار دیگران نبینید، بلکه او سخنور است، حکیم است، ادیب است، هنرمند است و ویژگی‌های دیگری مانند این‌ها که فارغ از مذهب یا آیین خواننده، وجود دارد و به‌راحتی قابل درک است.

نکته‌ی دوّم این است که محتوای «نهج البلاغه» به گونه‌ای است که به‌شدّت بر خواننده اثر می‌گذارد. پسر بولّس سلامه، نویسنده‌ی مسیحی، می‌گوید که شبی بالای سر پدرم رفتم و دیدم بالمش او خیس است؛ تعجّب کردم و پرسیدم چه شده، گفت دیشب می‌خواستم شعری برای علی بگویم و مشغول خواندن آثاری درباره‌ی او و سخنانش بودم که از شدّت تأثر گریستم. «نهج البلاغه» کتابی پُرحرارت است؛ برای هر کسی که با آن انس بگیرد، این حرارت معلوم است؛ هر چه با واسطه‌ی کمتری سراغ «نهج البلاغه» برویم، این حرارت بیشتر به چشم می‌آید. البته امروزه «نهج البلاغه» ترجمه می‌شود، اقا ممکن



سرمقاله

است در ترجمه دقّت نشود یا زمینه‌ی صدور کلام روشن نباشد؛ لذا هر چه کسی صاف‌تر و اصیل‌تر با «نهج البلاغه» مواجه شود، این حرارت را به شکل روشن‌تری درک می‌کند. اُنس با «نهج البلاغه» به طرز جالب توجّهی بر غنای کلام خواننده، چه در گفتار و چه در نوشتار، می‌افزاید. عبدالحمید کاتب از کاتبان دوره‌ی بنی‌امیه در نیمه‌ی اوّل قرن دوّم هجری و مشهور به برخورداری از سبک نگارش عالی است. از او پرسیدند این ذوق را از کجا آوردی، گفت «حفظت سبعین خطبة من خطب الاصلع ففاضت ثم فاضت»؛ هفتاد خطبه از خطبه‌های علی را حفظ کردم، پس چون چشمه جوشید و فوران کرد، از این رو، می‌توان گفت «نهج البلاغه» برای آنان که با سخن گفتن و نوشتن سروکار دارند، منبعی الهام‌بخش و اثرگذار و باحرارت است. و اقا نکته‌ی سوّم که به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته درباره‌ی «نهج البلاغه» است و دقیقاً نقطه‌ی تمایز آن با سایر کتاب‌ها است و مطالعه‌ی آن را برای هر دین‌داری که به مسائل اجتماعی و به‌ویژه حکومت علاقه‌مند است ضروری می‌کند، این است که «نهج البلاغه» بازتاب ایدئال‌های حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست، بلکه عینیت حکومت او است.

«نهج البلاغه» سه حیطه‌ی موضوعی دارد. یک حیطه مباحث معرفتی، اعتقادی و به‌ویژه توحیدی است. مثلاً آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید کسی که سطح عالی علوم دینی را تمام کرده و یک دوره «اسفار» خوانده، تازه اهلیت دارد که سر کلاس «توحید در نهج البلاغه» شرکت کند؛ این یعنی ورود به آن سطح برای عموم جامعه دشوار است. حیطه‌ی دوّم مباحث اخلاقی است که آن هم در منابع روایی دیگر فراوان است. البته گاهی ممکن است روایات اخلاقی «نهج البلاغه» با سایر منابع مثل

روایت

به عمویتان ملک عبدالله هم گفتم

آذرماه ۱۳۷۶؛ تهران؛ ولیعهد وقت عربستان سعودی و پادشاه سال‌های بعد این کشور مهمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. یخ دو کشور بزرگ جهان اسلام بعد از مخاصمات دههٔ ۶۰ باز شده و سعودی‌ها نسبت به سیاست‌های خود دچار چرخش شده بودند. مقامات ایرانی متقابلاً این سیاست‌ها را با آغوش باز پذیرا شدند. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار ملک عبدالله روابط ایران و عربستان را شامل برکات زیاد برای دنیای اسلام دانستند که در عین حال دشمنان زیادی هم دارد. دو دیدار سال ۱۳۷۸ و دیدار ۱۳۸۵ با مقامات سعودی هم دوباره مشحون

«کافی» تزامم یا تعارض داشته باشند ـ ـ که فهم درست و دقیق این مسئله نیازمند استاد است ـ ـ اقراروایات مشاباهش زیاد است. حیطه‌ی سوّم آن چیزی است که به نظر می‌رسد رهبر معظّم انقلاب اسلامی هم بیشتر روی آن تأکید دارند؛ یعنی همان «عینیت حکومت».

حضرت امیر علیه السلام، در «نهج البلاغه»، درباره‌ی عزل‌ونصب‌ها، تصمیم‌گیری‌های روزانه، برخورد با افراد مختلف، مدیریت بحران‌ها و مسائلی مانند این‌ها سخن گفته است؛ آن هم نه در فضای آرمانی، بلکه در میدان واقعیت‌ها و محدودیت‌ها. مثلاً حضرت علیه السلام محمّدبن ابی‌بکر را بدون اینکه فسادِی از او سر زده باشد، از حکمرانی مصر عزل می‌کنند ـ ـ چون شرایطش برای مدیریت آنجا مناسب نیست ـ ـ سپس مالک اشتر را می‌فرستند به جای او، اما مالک در بین راه شهید می‌شود و ایشان دوباره محمّدبن ابی‌بکر را ابقا می‌کنند؛ یا مثلاً اشعث را بعد از جنگ جمل ابقا می‌کنند، با اینکه او از والیان عصر عثمان است. این‌ها نشان می‌دهد که امیرالمومنین علیه السلام در واقعیت‌های حکمرانی تصمیم‌گیری کرده است، نه صرفاً در آرمان‌ها.

و اینکه این رفتارها، این نامه‌ها، این خطبه‌ها که وسط عزل‌ونصب‌ها و در دل وقایع اجتماعی و سیاسی صادر شده‌اند، برای جمهوری اسلامی می‌تواند تجربه‌ای آموزنده باشد؛ چرا که حکومت امام زمان (عجل الله فرجه) هنوز رخ نداده است، اما حکومت امام علی علیه السلام یک بار در تاریخ محقّق شده و می‌توان آن را بررسی کرد. مطالب «نهج البلاغه» اسناد این تجربه است؛ تجربه‌ای که در اوج صداقت و دیانت و در دل سخت‌ترین شرایط رقم خورده. این است که «نهج البلاغه» را از دیگر متون دینی متمایز می‌کند.

■ **پایان سرمقاله**

آخرین خبر

تجلیل رهبر معظّم انقلاب از برنامه‌های قرآنی ماه مبارک رمضان

- بادیدن تلاوت و ترتیل جوانان، از شدّت خشنودی و خوشحالی واقعاً منقلب میشوم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، صبح پنجشنبه چهارم اردیبهشت ۱۴۰۴، در پایان مجلس عزاداری سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که جمعی از فقّالان قرآنی و دست‌اندرکاران برنامه‌های رسانه‌ی ملی در ماه مبارک رمضان نیز حضور داشتند، فرمودند:

- «امروز در جلسه‌ی ما الحمدلله قرآنی‌ها جمعند. خدا را شکر، امسال ماه مبارک الحمدلله یک ماه رمضان قرآنی بود؛ خدا را شکر. و در سرتاسر کشور به همت شما برادرها در هر جایی، در هر بخش، در صداوسیما و غیر صداوسیما مردم دلشان با قرآن بود. ما به این احتیاج داریم. این، آن چیزی است که کشور ما به آن احتیاج دارد، جوانهای ما احتیاج دارند. این تلاوت قرآن، این حفظ قرآن که من وقتی میبینم آنجا جوانها نشسته‌اند و قرآن را به‌اصطلاح با ترتیل میخوانند، حافظ از حفظ میخواند، از شدّت خشنودی و خوشحالی واقعاً منقلب میشوم؛ الحمدلله ربّ العالمین. دنبال کنید. منتها ما در زمینه‌ی قرآن هنوز خیلی کار داریم؛ کارهایی که باید انجام بگیرد. ما بایستی مفاهیم قرآن را که دریای عظیمی است، دریای عمیقی است، بین مردم خودمان و خوانندگان قرآن رواج بدهیم. الحمدلله خیلی خوب بود. خدا را شکر.»

